

پرسشنامه‌ی

ثابت مرتبط با ویژگی‌های انگیزشی و شخصیتی فرد، بستگی داشته باشد (امامی‌پور و شمس اسفندآباد، ۱۳۸۶).

نکته‌ای که باید در این‌جا یادآور شویم این است که بر خلاف هوش و استعداد که توانایی هستند، سبک یادگیری توانایی نیست. از این رو، سبک یادگیری به این‌که یادگیرنده چگونه یاد می‌گیرد اشاره می‌کند نه به این‌که به چه خوبی از عهده یادگیری بر می‌آید (سیف، ۱۳۸۶).

پرسش‌نامه سبک‌های یادگیری (ILS)

پرسش‌نامه‌ی (سیاهه) سبک‌های یادگیری، شامل ۱۲۰ گویه است که دانش‌آموزان هر گویه را مطالعه کرده و میزان موافقت خود را روی یک مقیاس درجه‌بندی می‌کنند.

این پرسش‌نامه ابتدا در سال ۱۹۹۴ توسط جان. دی. اچ. ام. ورمونت تدوین شد و سپس او و همکارش فرانک ادلیو، ام. ون ریجسویک^۱ در سال ۱۹۹۸ با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی^۲، روایی و مناسب بودن آن را برای اندازه‌گیری چهار مؤلفه، مورد بررسی قرار دادند. این چهار مؤلفه عبارتند از:

۱. راهبردهای پردازش

۲. راهبردهای نظم‌دهی

۳. انگیزه‌های یادگیری و جهت‌گیری آن

۴. عقاید و باورها درباره‌ی یادگیری

هر یک از این مؤلفه‌ها به طبقات فرعی تقسیم شده‌اند، و در مجموع ۱۶ طبقه‌ی فرعی وجود دارد که به وسیله این پرسش‌نامه می‌توان آن‌ها را ارزیابی کرد. این طبقات فرعی به‌طور

عوامل مختلفی موجب تفاوت در میان یادگیرندگان می‌شود. آن‌چه در سال‌های اخیر بیشتر از بقیه‌ی عوامل نظر روان‌شناسان پرورشی و متخصصان آموزشی را به خود جلب کرده، تنوع سبک‌های یادگیری و تفکر و راهبردها و روش‌های یادگیری و مطالعه است. این تفاوت‌ها عمدتاً در چگونگی برخورد یادگیرنده با موضوع‌های مختلف یادگیری و نحوه فراگیری، نگهداری و استفاده از آن یادگیری‌ها مطرح می‌باشد.

سبک یادگیری را می‌توان به عنوان روشی که یادگیرنده در مسیر یادگیری خود به روش‌های دیگر ترجیح می‌دهد، تعریف کرد. به همین سبب، بعضی از روان‌شناسان پرورشی از جمله وولفلک (۲۰۰۴، به نقل از سیف، ۱۳۸۶)، اصطلاح ترجیح یادگیری^۳ را بهتر از سبک یادگیری می‌دانند و در تعریف آن می‌گویند: «راه‌های مورد پسند فرد برای مطالعه و یادگیری، مانند استفاده از تصاویر به‌جای کتاب، کار کردن با دیگران به عوض تنها کار کردن، یادگیری موقعیت‌های ساختاری در مقابل موقعیت‌های غیرساختاری و غیره.»

همچنین کلب^۴ (۱۹۷۳) سبک یادگیری را روش فرد در تأکید بر انتخاب برخی از توانایی‌های یادگیری قلمداد می‌کند و فورد^۵ (۱۹۸۱) آن را راهبردی انطباقی در واکنش به موقعیت‌های ویژه یادگیری می‌داند که ممکن است به عواملی نظیر سطح اضطراب یا سبک‌های

سبک‌های یادگیری

خلاصه در جدول زیر معرفی شده‌اند:

بویل^۱، دوفی^{۱۱} و دون لیوی^{۱۲} (۲۰۰۳) در پژوهش خود ضمن تأیید ضریب اعتبار^{۱۳} محاسبه شده برای پرسش‌نامه گزارش کردند که پرسش‌نامه مورد نظر، با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی^{۱۴}، بررسی شد و نتیجه بررسی نشان

نمونه ۴۸۶ نفری انجام گرفته است.

بنابراین سیاهه سبک‌های یادگیری از روایی کافی برخوردار است.

پی‌نوشت

1. learning style
2. Woolfolk A E.

منابع

– امامی پور، سوزان. و شمس اسفندآباد، حسن. (۱۳۸۶). سبک‌های یادگیری و شناختی: نظریه‌ها و آزمون‌ها. تهران: سمت
– سیف، علی‌اکبر. (۱۳۸۶). روان‌شناسی پرورشی نوین. تهران: نشر دوران.
– محمودی، نعمت‌الله. (۱۳۸۷) استاندارد ساختن پرسش‌نامه سبک‌های یادگیری ورمونت و ریجسویک بر روی

راهِبردهای پردازش	راهِبردهای نظم‌دهی	انگیزه‌های یادگیری و جهت‌گیری آن	عقاید و باورها درباره‌ی یادگیری
پردازش عمیق	خودتنظیمی	مدرک‌گرایی	جذب دانش
پردازش گام به گام	تنظیم بیرونی	شغل‌گرایی	ساخت دانش
پردازش عینی	فقدان نظم	آزمون‌گرایی	استفاده از دانش
—	—	علاقه شخصی	تدریس برانگیزنده
—	—	دوسوگرایی	استفاده از همسالان

داد که این ابزار برای اندازه‌گیری چهار مؤلفه مورد نظر ورمونت مناسب است که نشان دهنده روایی^{۱۵} قابل قبول برای پرسش‌نامه است.

استاندارد کردن پرسش‌نامه

سبک‌های یادگیری ورمونت در ایران

محمودی (۱۳۸۷) طی پژوهش خود پرسش‌نامه‌ی سبک‌های یادگیری ورمونت را بر روی دانش‌آموزان دوره متوسطه استان مازندران استاندارد کرده است. این پژوهش بر روی یک

دانش‌آموزان دوره متوسطه استان مازندران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده. دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

3. learning preference
4. Kolb
5. Ford
6. Inventory Learning Styles (ILS)
7. Jan D.H.N. Vermunt
8. Frank A.W.M Van Rijswijk
9. exploratory Factor analysis
10. Royle, F.
11. Duffy, T.
12. Dunleavy, K
13. reliability
14. Confirmatory factor analysis
15. Validity

-Boyle, E., Duffy, T., & Dunleavy, K. (2003). Learning styles and academic outcome. The validity and utility of Vermunt's inventory of learning styles in a British higher education setting. British Journal of Educational Psychology, 73,267-290.
- construct Validity
- Principal Components analysis(PC)